

## گزارش مقاله «تحلیل فرمالیستی غزلی از حافظ»

### مفاهیم اساسی به کار رفته در تحلیل

عدول از هنجار یا هنجار گریزی: فرمالیست‌ها می‌گفتند زبان ادبی عدول از هنجار است و کمتر متن ادبی و زبان هنری می‌توان یافت که در آن عدول از هنجارهای متعارف نباشد.

غریب‌سازی و آشنایی زدایی: ادبیات و هنر ناب بر سر راه مخاطب خود مانع می‌گذارد و حرکت خواننده را کندتر می‌کند و او را به مکث و تأمل وامی‌دارد. به نظر فرمالیست‌ها، تمام ادبیات و هنر جولانگاه آشنایی زدایی‌هاست.

انسجام: یعنی این که اثر ادبی، برخوردار از یک کلیت باشد. به تعبیر دیگر بریده بریده و توده‌ای فاقد نظم نباشد. این کلیت، ممکن است در سایه‌ی وحدتی موضوعی یا عاطفی حاصل شود.

هماهنگی: همان یکپارچگی و تناسب در اثر است. این تناسب می‌تواند کمی یا کیفی باشد. هماهنگی، صرفاً از نظر فرم بیرونی و ساخت اثر نیست، بلکه شامل تناسب میان صور خیال و جنبه‌های احساسی و ادراکی نیز هست.

درخشش: وجود جوهر زیبایی‌شناختی و به قول قدما «آن» نهفته در اثر است. چیزی که گاه به «افسون شعر» یا «سحر کلام» تعبیر شده است.

### روش تحلیل

خوانش بیت به بیت غزل، ارائه کردن معنی بیت در ابتدا و بعد پرداختن به صنایع یا تمهیدات به کار رفته در هر بیت.

### نوآوری یا دستاورد

غزل «زین خوش رقم که بر گل رخسار می‌کشی...» دارای بافتی منسجم و به هم پیوسته است که تمام عناصر و تصویرهای آن، پیرامون یک درون‌مایه یا مضمون واحد گرد آمده‌اند و شاعر به ساختاری منسجم و یکدست رسیده است که امکان جا به جایی و یا حذف جزئی از اجزای دیگر شعر دشوار یا غیرممکن می‌نماید.

### ارزیابی تحلیل

مسأله‌ای که در این مقاله توجه مرا جلب کرد، این است که بسیاری از مطالبی که در خصوص صنایع و تمهیدات ذکر شد هیچ تازگی‌ای ندارد و حتی شاید بعضاً تکرار آنچه باشد که شارحان سنتی گفته‌اند. به نظر من مباحث نو متن محدود به نتیجه‌گیری مقاله می‌شود و در فرآیند تفسیر، کمتر حرف نوی زده شد.

## گزارش مقاله «بازخوانی فرمالیستی غزلی از بیدل»

### مفاهیم اساسی به کار رفته در تحلیل

برجسته‌سازی؛ مفهوم و مضمون محوری [موتیف]؛ انسجام اندام‌وار یا اندام‌وارگی متن.

### روش تحلیل

بازخوانی بیت به بیت غزل و تحلیل محور افقی شعر و روابط بین واژگان بیت و کارکرد این روابط در القای یک مفهوم و مضمون محوری.

### نوآوری یا دستاورد

در این غزل پیوند میان واژه‌ها، ترکیبات و افعالی که مضمون حرکت و گذر دارند در همه ابیات حضور دارد و همین وجود مفهوم واحد ساختمان غزل را از پریشانی و پاشانی بازداشته است و آن را به اثری منسجم تبدیل کرده است. دو عاملی که در استوار کردن ساختمان غزل نقش بنیادی داشتند: پیوند میان واژگان متناظر و متناسب و وجود مفهوم واحد در سراسر غزل. پیوند میان اجزای این غزل پیوندی نیست که انسجامی اندام‌وار را پدید آورد به گونه‌ای که هر یک از اعضای این اندام وظیفه‌ای دیگر را در پیوند با ساختار کلی اندام بر عهده داشته باشد. رشته‌ای که ابیات را به هم پیوند داده است وزن و قافیه نیست عناصر دیگری است که نموده شد.

### ارزیابی تحلیل

دکتر حسن‌لی با خوانش تنگاتنگ این غزل به کشف زوایای پنهان آن وارد شده است و از همین طریق دریافته است که نه -کاملاً- آن طور است که پیشینیان فکر می‌کردند و با خوانش تنگاتنگ اثر می‌توان نشان داد که روابط مفهومی بین واژگان و در مرحله بعد در کل اثر وجود دارد، هرچند این روابط کاملاً محکم و استوار و قطعی نباشد.